

گزارش



در سفر وزیر امور خارجه به تاجیکستان انجام شد

بررسی روابط دوجانبه و تحولات قفقاز

وزیر امور خارجه کشورمان با هدف پیگیری توافقات اخیر میان تهران و دوشنبه، بامداد دیروز راهی تاجیکستان شد و صبح دیروز دیدارهای فشرده‌ای با رئیس‌جمهوری و وزیر خارجه این کشور داشت؛ دیدارهایی که پیامی روشن از اراده تهران برای تعمیق روابط چندلایه با همسایه هم‌زبان دارد.

در ادامه سفرهای دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران به آسیای مرکزی و تلاش برای تقویت روابط ایران با کشورهای این منطقه بویژه تاجیکستان، سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان روز گذشته وارد شهر «دوشنبه» شد و مورد استقبال مقامات رسمی این کشور قرار گرفت. عراقچی در بدو ورود با امامعلی رحمان، رئیس‌جمهوری تاجیکستان در قصر ملت دیدار و گفت‌وگو کرد؛ دیداری که در ادامه روند رو به گسترش تعاملات دوجانبه میان تهران و دوشنبه بر تعمیق مناسبات همه‌جانبه میان دو کشور تأکید داشت.

در این دیدار، وزیر امور خارجه کشورمان با ابلاغ سلام‌های گرم مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهوری ایران به رئیس‌جمهوری و ملت تاجیکستان، بر اراده قوی جمهوری اسلامی ایران برای تقویت همکاری‌ها در تمامی زمینه‌های مورد علاقه دو طرف تأکید کرد. عراقچی با اشاره به اشتراکات بی‌بدیل زبانی، فرهنگی، تاریخی و تمدنی دو ملت، خاطرنشان کرد که جمهوری اسلامی ایران مصمم است از این ظرفیت‌های مشترک برای توسعه هرچه بیشتر مناسبات در حوزه‌های اقتصادی، تجاری، فرهنگی، علمی و آموزشی بهره‌برد.

امامعلی رحمان، رئیس‌جمهوری تاجیکستان نیز در این دیدار، روابط دو کشور را ریشه‌دار، صمیمانه و مبتنی بر دوستی تاریخی دانست و از تلاش‌های ایران برای توسعه مناسبات استقبال کرد. وی بر اهمیت افزایش سطح تعاملات فیما بین و بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در راستای تأمین منافع مشترک تأکید کرد.

در جریان این گفت‌وگو، علاوه بر بررسی ابعاد مختلف روابط دوجانبه، تحولات منطقه‌ای از جمله اوضاع قفقاز، آسیای مرکزی، افغانستان و غرب آسیا نیز مورد تبادل نظر قرار گرفت. در ادامه این سفر یک‌روزه، عراقچی با سراج‌الدین مهرالدین، وزیر امور خارجه تاجیکستان دیدار و در خصوص مسائل دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی گفت‌وگو کرد. دو طرف بر لزوم رابزی مستمر و هماهنگی در موضوعات مهم منطقه‌ای بویژه در حوزه‌های امنیتی و اقتصادی تأکید کردند.

همچنین اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه که وزیر خارجه را در این سفر همراهی می‌کرد، صبح روز گذشته با مطوبه‌خان ستاریان، وزیر فرهنگ جمهوری تاجیکستان دیدار و پیرامون تقویت همکاری‌های فرهنگی، آموزشی و تمدنی بین دو کشور به گفت‌وگو نشست. بقایی در حاشیه این دیدار با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس، با اشاره به اشتراکات عمیق دو ملت، سفر به تاجیکستان را فرصتی مغتنم برای تعمیق روابط فرهنگی توصیف کرد.

وزیر امور خارجه کشورمان پیش از عزیمت به دوشنبه، از سوی نظام‌الدین زاهدی، سفیر تاجیکستان در تهران بدرقه شد. سفر عراقچی در ادامه رویکرد دولت سیزدهم برای توسعه تعاملات منطقه‌ای و تقویت جایگاه ایران در حوزه دیپلماسی همسایگی انجام شده است؛ رویکردی که پیش‌تر در سفر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری کشورمان به تاجیکستان و تأکید او بر تعمیق روابط با کشورهای هم‌زبان، هم‌تبار و هم‌فرهنگ منطقه، به روشنی ترسیم شده بود.

شایان ذکر است روابط ایران و تاجیکستان از زمان استقلال این کشور در سال ۱۹۹۱ آغاز شد و ایران اولین کشوری بود که استقلال آن را به رسمیت شناخت. اگرچه در دهه‌های گذشته این روابط با فرازونشیب‌هایی مواجه بود، اما در سه سال اخیر، دو کشور مسیر تازه‌ای از تعاملات را آغاز کرده‌اند.

امضای اسناد متعدد همکاری در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی و فرهنگی و همچنین حمایت تاجیکستان از عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای، از نشانه‌های گرم شدن روابط دوجانبه است. اشتراکات تاریخی، زبانی و فرهنگی میان دو ملت همواره زمینه‌ساز نزدیکی و تقاض بیشتر میان تهران و دوشنبه بوده است.

در همین چهارچوب، سفر سال گذشته مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری کشورمان به تاجیکستان و استقبال گرم امامعلی رحمان از او، همراه با امضای ۲۳ سند همکاری، فصل جدیدی از روابط راهبردی دو کشور را رقم زد که اکنون در سطح وزارت خارجه نیز در حال پیگیری و تحکیم است.

رئیس جمهوری شنبه آینده به پاکستان سفر می‌کند

تهران و اسلام‌آباد در مسیر شراکت پایدار

سیاست خارجی

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری روز شنبه ۱۱ مرداد به دعوت رسمی شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان راهی اسلام‌آباد خواهد شد؛ سفری که نه تنها به لحاظ زمانی آن هم در فاصله کوتاهی از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل بلکه از منظر سیاسی و امنیتی نیز واجد اهمیت و پیام‌هایی برای دو پایتخت و حتی معادلات منطقه‌ای است. پزشکیان که چند روز پیش بر ضرورت تقویت روابط با کشورهای همسایه از جمله ترکیه، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان، افغانستان، پاکستان، عراق و دولت‌های حاشیه خلیج فارس تأکید کرد، اکنون در موقعیتی قرار گرفته که سعی دارد این گزاره کلی را در بستریک آزمون عینی و عملی بیازماید. حمایت‌اشکار و کم سابقه اسلام‌آباد از تهران در بحبوحه جنگ ۱۲ روزه که در بالاترین سطوح دیپلماتیک بیان و پیگیری شد، نه تنها نشانه‌ای از همکاری سیاسی در شرایط بحرانی بود، بلکه یادآور جایگاه ویژه ایران در راهبرد کلان سیاست خارجی پاکستان به شمار می‌رفت؛ جایگاهی که با وجود فشارها و ائتلاف‌های متغیر منطقه‌ای همچنان توانسته خود را از حاشیه‌نشینی برهانند و در محور گفت‌وگوهای امنیتی و همکاری‌های راهبردی باقی بماند. از این



عسکری

منظر سفر پزشکیان در امتداد این همسویی تازه و در شرایطی که فضای پساجنگ، فرصت بازتعریف همکاری‌های دو کشور را فراهم کرده است، می‌تواند به مثابه گشایش یک فصل نوین در روابط دوجانبه تعبیر شود که دربرگیرنده هم حوزه امنیتی و هم اقتصادی باشد. این درحالی است که در اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی و نیز وجود منافع مشترک در حوزه‌های اقتصادی و امنیتی، روابط تهران و اسلام‌آباد را به ساختاری مقاوم در برابر نوسانات سیاسی و فشارهای بیرونی بدل کرده است. این همکاری به ویژه در برزخ‌های حساس، مانع از پیوستن اسلام‌آباد به ائتلاف‌های ضد ایرانی شده و حتی اختلافات پرکنده مرزی را به پشتوانه علائقت و حسن نیت طرفین، در مسیر حل و فصل مسالمت‌آمیز قرار داده است. به همین دلیل مقامات اسلام‌آباد در مقاطع مختلف با صراحت بر لزوم ارتقای این روابط و تبدیل آن به شراکتی پایدار تأکید ورزیده‌اند.

آزمونی برای سنجش تعهد و توانایی

در همین راستا که فضای پس از جنگ ۱۲ روزه، تنش‌های ژئوپلیتیک در خاورمیانه را به سطحی تازه و پیچیده ارتقا داده است، ضرورت طراحی و اجرای یک الگوی مشترک امنیتی در مرزهای شرقی ایران با پاکستان بیش از هر زمان دیگری خور بار مسئولان دو کشور تحمیل کرده است؛

در همین راستا که فضای پس از جنگ ۱۲ روزه، تنش‌های ژئوپلیتیک در خاورمیانه را به سطحی تازه و پیچیده ارتقا داده است، ضرورت طراحی و اجرای یک الگوی مشترک امنیتی در مرزهای شرقی ایران با پاکستان بیش از هر زمان دیگری خور بار مسئولان دو کشور تحمیل کرده است؛

در همین راستا که فضای پس از جنگ ۱۲ روزه، تنش‌های ژئوپلیتیک در خاورمیانه را به سطحی تازه و پیچیده ارتقا داده است، ضرورت طراحی و اجرای یک الگوی مشترک امنیتی در مرزهای شرقی ایران با پاکستان بیش از هر زمان دیگری خور بار مسئولان دو کشور تحمیل کرده است؛

در همین راستا که فضای پس از جنگ ۱۲ روزه، تنش‌های ژئوپلیتیک در خاورمیانه را به سطحی تازه و پیچیده ارتقا داده است، ضرورت طراحی و اجرای یک الگوی مشترک امنیتی در مرزهای شرقی ایران با پاکستان بیش از هر زمان دیگری خور بار مسئولان دو کشور تحمیل کرده است؛

دیپلماسی «پساجنگ» در مرزهای شرقی

یادداشت



ابراهیم رحیم‌پور معاون پیشین آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه

سفر قریب‌الوقوع مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری ایران به اسلام‌آباد در مقطعی انجام می‌شود که مناسبات تهران و اسلام‌آباد، پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل در آستانه ورود به مرحله‌ای تازه قرار گرفته است. در آن بحران، پاکستان با اتخاذ موضعی آشکارا همسو با ایران، پیامی سیاسی و امنیتی به منطقه و بازیگران بین‌المللی مخابره کرد؛ پیامی که فراتر از مواضع معمول دیپلماتیک بود و به نوعی بیانگر اراده اسلام‌آباد برای همراهی با تهران در برزخ‌های حساس تلقی شد. از این منظر حضور رئیس‌جمهوری ایران در پایتخت پاکستان، افزون بر جنبه‌های دیپلماتیک، حامل بار نمادین قدردانی راهبردی سیاسی قلمید. تحقق شعار «کار با همسایگان» که طی دولت‌های پیشین و نیز دولت فعلی بارها تکرار شده، نیازمند ارزیابی دقیق متغیرهایی چون آمادگی و تمایل طرف مقابل، محدودیت‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی و واقعیت‌های امنیتی و ژئوپلیتیک هر کشور است. تجربه چهار دهه اخیر نشان داده که هرچند تهران در سطح اعلامی همواره بر توسعه روابط با همسایگان تأکید کرده اما برخی نااهمانگی‌های نهادی و خطاهای تاکتیکی موجب شده که بعضی از این کشورها با احتیاط به تعامل با ایران بپردازند.

ایران با ۱۵ همسایه زمینی و دریایی از نظر تعداد همسایگان، جایگاهی کم‌نظیر دارد اما باغفلت‌سازی این ظرفیت، نیازمند سیاستی مستعمر، دقیق و عاری از رفتارهای مقطعی است؛ سیاستی که هم به ملاحظات امنیتی و اقتصادی طرف مقابل توجه کند و هم بر پایه فهم متقابل از منافع مشترک شکل گیرد. پاکستان در این میان جایگاهی ویژه دارد؛ همسایه‌ای که علی‌رغم وجود اختلافات مقطعی و چالش‌های امنیتی در برهه‌های سرزشت‌ساز به شریکی نسبتاً قابل اتکا بدل شده است. البته مرزهای مشترک دو کشور همواره با تهدیدات تروریستی مواجه بوده که بعضاً فراتر از کنترل دولت مرکزی پاکستان قرار داشته است.

در حوزه اقتصاد، پیوندهای بالقوه‌ای میان دو کشور وجود دارد که در صورت بهره‌برداری صحیح می‌تواند به شتاب‌دهنده روابط بدل شود؛ از جمله در عرصه سوخت، انرژی و پروژه انتقال گاز. با این حال، فقدان پیگیری منسجم و نعلل دوطرفه، مانع تحقق کامل این فرصت‌ها شده است. در فضای پس از جنگ ۱۲ روزه، حمایت‌اشکار پاکستان از ایران بیانگر استمرار نوعی همکاری است که می‌تواند مبنای گسترش همکاری‌های مستمر قرار گیرد. سفر پزشکیان به اسلام‌آباد، در شرایطی که فشارهای ایالات متحده بر ایران ادامه دارد، حامل پیام دوگانه‌ای است: تأکید بر استقلال دیپلماسی منطقه‌ای تهران و اراده برای حفظ و توسعه روابط با همسایگان مؤثر. چنین پیامی می‌تواند نشانه‌ای از اولویت‌بندی تازه در سیاست همسایگی دولت تلقی شود؛ بویژه با توجه به پیچیدگی روابط اسلام‌آباد با دیگر بازیگران منطقه از جمله کابل و نیز حساسیت کشورهای آسیای مرکزی نسبت به توازن منطقه‌ای. برآیند این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که سفر رئیس‌جمهوری ایران به پاکستان را باید در قالب «دیپلماسی پساجنگ» و به مثابه تلاشی هدفمند برای تحکیم روابط با یک همسایه راهبردی ارزیابی کرد.

این سفر، در صورت بهره‌گیری از فرصت‌های امنیتی و امنیتی موجود، می‌تواند سرآغاز فصل تازه‌ای در مناسبات دو کشور باشد. اما تحقق این چشم‌انداز مشروط به درک عمیق از ملاحظات امنیتی پاکستان، حفظ تعامل مستمر در سطوح مختلف و ایجاد هماهنگی نهادی در داخل ایران است؛ عاصرکی که بدون آنها، حتی پرمعناترین سفرها نیز در حد یک رویداد نمادین باقی خواهد ماند.

از دکتربین «شلیک‌اول» تا نقض حقوق بشر در جنگ ۱۲ روزه

تحلیل



محمد هادی دکتر حسین استاد دانشگاه تهران

رژیم آپارتاید و اشغالگر اسرائیل در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه علیه دولت و ملت ایران مرکب نقض فهرست بلندبالایی از هنجارها و قواعد بین‌المللی گردید. در این میان دو نقض که به آستانه شدیدترین جنایات بین‌المللی می‌رسد، شددیدترین جنایات بین‌المللی می‌رسد، چتمگیرتر است؛ یکی سرزمینی و استقلال سیاسی و حاکمیت ملی ایران که نقض آشکار منشور ملل متحد و تخطی از اصل ممنوعیت توسل به زور نظامی در روابط بین‌الدولی به مثابه یک قاعده‌آمره و نقض ناپذیر است و دیگری جنایات جنگی و نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه و قواعد و مقررات حاکم بر زمان محاصرات مسلحانه.

در نظم و نظام نوین جهانی توسل به زور نظامی و در هم شکستن مرزهای سرزمینی کشورهای دیگر با استفاده از نیرو و ادوات و تسلیحات نظامی ممنوع است و نمی‌توان هیچ جنگی را علیه دولت دیگری در راستای پیشبرد اهداف و منافع و سیاست خارجی خود آغاز کرد جز آنکه شورای امنیت ملل متحد بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد اجازه استفاده از اقدام نظامی را در راستای تأمین صلح و امنیت بین‌المللی برای دولت‌ها صادر کند. رژیم اسرائیل در فقدان هرگونه مخاصمه مسلحانه میان ایران و اسرائیل، به دکتربین دفاع پیش‌دستانه متوسل شده است که به موجب آن هرچند حمله مسلحانه‌ای در جریان و جاری نباشد، لیکن برای دفع خطر حمله‌ای که قطعی است و قطعیت دارد و از حیث زمانی قریب‌الوقوع و فوری است، می‌توان در نبود راهکارهای جایگزین، به زور نظامی از باب ضرورت متوسل شد. در استدلال به نفع دفاع پیش‌دستانه، رژیم اسرائیل به برنامه هسته‌ای ایران استناد جسته و با اقدام نظامی از سوی ایران علیه اسرائیل در پیش‌دستانه برای ممانعت از هسته‌ای شدن ایران دانسته است. این در حالی است که هیچ شاهد معتبری بر نظامی بودن برنامه هسته‌ای ایران و یا قریب‌الوقوع بودن اقدام نظامی از سوی ایران علیه اسرائیل در میان نبوده است. استدلال‌های سست بنیاد رژیم متجاوز اسرائیل مبنی بر وجود شعار مرگ بر اسرائیل و یا محو اسرائیل از نقشه

جهان در سپهر عمومی ایران زمین نیز هیچ اثر اثباتی از منظر حقوقی ندارد چرا که از این عملیه‌ای عمومی و غیررسمی نمی‌توان وجود یک خطر حتمی و قریب‌الوقوع را استنباط کرد؛ برهه سال‌ها و دهه‌ها این شعارها مطرح بوده است بی‌آنکه منجر به اقدام و حمله نظامی از سوی ایران شود.

عدم رعایت اصل تناسب

در کنار جنایت تجاوز که فعل متخلفانه بین‌المللی است و رژیم اسرائیل را در قیال خسارات ناشی از این تجاوز و جبران آن مسئول می‌سازد، ۱۲ روز جنگ تحمیلی علیه ملت ایران آپستین نقض‌های پرشمار حقوق بشردوستانه بوده که به آستانه جنایت جنگی رسیده است. رژیم اسرائیل در جنگ علیه ایران نیز اقدامات جنگی خود را با آسیب رساندن به غیر نظامیان دنبال کرد و مرتکب نقض حقوق مردم ایران و ارتکاب جنایت جنگی علیه ایشان شد که بخشی از این سیاهه رفتاری را می‌توان چنین فهرست کرد:

نقض اصل بنیادین تفکیک نظامیان و غیر نظامیان و عدم هدایت حملات به سوی غیر نظامیان و اماکن غیر نظامی و سکونتگاه‌های شهروندان عادی و به خاک و خون کشیدن تعداد قابل توجهی از مردم کوچه و بازار؛ هدایت عمارانه حملات علیه نیروهای امداد رسان هلال احمر؛ عدم رعایت اصل تناسب در هدف قرار دادن اهداف نظامی که منجر به تخریب و کشتار گسترده اماکن و اشخاص پیرامون آن اهداف شده و به آتش کشیدن قیصریه برای یک دستمال رقم خورده است که حتی جواز اولیه هدف قرار دادن اهداف نظامی را با ممنوعیت روبه‌رو می‌سازد؛ ناامن‌سازی شهرها و وحشت‌پراکنی میان عموم مردم و تهدید غیرقانونی به خروج از شهرها که منجر به ترک قهری خانه و گاشانه از سوی برخی از شهروندان به خصوص در تهران گردید که می‌تواند مصداق انتقال اجباری و جابه‌جایی قهری جمعیت غیر نظامی باشد؛ هدف قرار دادن مخازن سوخت در شهر تهران و برخی سایت‌های هسته‌ای که می‌تواند به دلیل آسیب شدید و گسترده و طولانی مدت و گستراندن آلودگی هوا و به مخاطره افکندن محیط زیست یک جنایت جنگی زیست‌محیطی باشد؛ و همچنین هدف قرار دادن دانشمندان هسته‌ای و خانواده ایشان که برخلاف ادعای سست بنیاد رژیم به هدف مشروع نظامی بلکه غیر نظامیان مشمول حمایت نظام حقوق بشردوستانه در زمان جنگ بوده‌اند که به دلیل عدم مشارکت مستقیم در مخاصمه مسلحانه هدف قرار دادن ایشان جنایت جنگی آشکار

فرصت‌های سوخته و ضرورت آسپ‌شناسی کارنامه عدالت خواهی بین‌المللی البته در همه سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی کارنامه قابل قبولی نبوده است. ناکرده‌ها و کم‌کاری‌های پیشین واقعیتی انکارناپذیر است که رهبر انقلاب نیز در دیدار تیرماه خود با مقامات قوه قضائیه آن را تأیید و مورد تأکید قرار دادند. تغییر رژیم پهلوی با کارنامه سیاه

جنایت علیه بشریت ساواک، جنایات جنگی گسترده رژیم بهشت عراق علیه ملت ایران در جنگ تحمیلی هشت ساله، جرایم تروریستی گسترده و سازمان یافته سازمان مجاهدین خلق علیه جمعیت غیر نظامی در دهه ۶۰ و بعد از آن، تحریم‌های آسیب‌رسان اقتصاد ایران و یکجانبه ایالات متحده آمریکا که بر اساس اسلیمانی در کنار جنگ حقوقی علیه اسرائیل در نسل‌کشی غزه بعد از اکتبر ۲۰۲۳ تنها بخشی از فهرست دراز فرصت‌های سوخته است که دستگاه‌های مختلف از ظرفیت‌های ملی و فراملی برای حمایت از قربانیان جنایات بین‌المللی در ایران و آن سوی مرزها بهره‌نمی‌جستند. در این وضعیت همه قوا از دولت و دستگاه دیپلماسی و معاونت حقوقی ریاست جمهوری برای پیشبرد اقدامات بین‌المللی تا قوه قضائیه برای فعال‌سازی ظرفیت‌های حقوقی داخلی و مجلس برای تصویب قوانین لازم جهت جنگ حقوقی مانند جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی در نظام کیفری ایران و حتی شوراهای تصمیم ساز بالادستی مانند شورای عالی امنیت ملی در ترسیم مسیر جنگ حقوقی؛ سپهر ملی در برابر نیاز به آسیب‌شناسی جدی دارد تا بار دیگر تجربه تلخ جنگ تحمیلی هشت ساله یعنی فقدان کنشگری مؤثر و مستمر و گسترده برای حمایت از قربانیان جنگ در مورد جنگ تحمیلی بین‌المللی مشمول نشود و عدالت‌خواهی بین‌المللی مشمول مرور زمان و وعده‌های غیرعملیاتی نگردد. اکنون در برابر دولت ایران یک رسالت تاریخی قرار دارد که امید می‌رود مورد توجه و پیگیری قرار بگیرد. در ساحت ملی بار اصلی مسئولیت برعهده قوه قضائیه است که پیشنهادهای می‌شود به سرعت با بهره‌برداری از کارشناسان حقوق کیفری بین‌المللی اقدام به تهیه لایحه تشکیل دادگاه ویژه جنایات



جنگی و ارسال آن به مجلس شورای اسلامی کند تا محکمه‌ای ویژه با صلاحیت انحصاری نسبت به جنایات جنگی ارتکابی در قلمروی سرزمینی ایران در جنگ ۱۲ روزه ایجاد و تأسیس شود تا مشکل فقدان قانون ماهوی با تصویب اساسنامه ویژه برای آن حل شود و از آن سو مرجعی برای نظم‌خواهی و ثبت شکایات و مستندسازی خسارات و آسیب‌ها گردد تا بتوان از یافته‌های آن در مجامع و مراجع بین‌المللی نیز بهره‌برد. در سطح بین‌المللی نیز دولت و دیپلماسی با فعال‌سازی دیپلماسی عدالت‌خواهانه باید و شاید که از ظرفیت دیوان کیفری بین‌المللی استفاده کرده و لایحه هلد بهره‌برد. هرچند دولت ایران عضو این محکمه بین‌المللی نیست، لیکن این اختیار را دارد که صلاحیت دیوان را به صورت موردی و محدود به بازه زمانی ۱۲ روزه جنگ تحمیلی مورد پذیرش قرار دهد تا جرایم جنگی ارتکابی از سوی رژیم اسرائیل مشمول صلاحیت دیوان شود. در جنگ روایتی رژیم اسرائیل علیه مردم ایران است و در نبود رسانه‌ای که بتواند صدای قربانیان بی‌صدای ایرانی در عرصه جهانی شود، دیوان کیفری بین‌المللی مرجع مناسبی برای انعکاس صدای رنج و آسیب ایرانیان قربانی جنگ است. در این جنگ حقوقی نیز از اتهام پراکنی‌های متقابل رژیم اسرائیل نیز نباید هراسید چرا که هم با محدودیت‌ها و مرزگذاری‌های زمانی و مکانی می‌توان صلاحیت دیوان را مدیریت کرد و هم برای اقدامات دفاعی خویش دفاع مناسب حقوقی آماده و از وجه بین‌المللی ایران و دکتربین نظامی و دفاعی آن دفاع کرد و تهدید ایران هراسی را به فرمتی برای شناساندن ایران تبدیل کرد.